

## علوم

عبارات مرتبط را به هم وصل کنید.

- اکسیژن را از شش‌ها به سلول می‌برد.
- دم و بازدم
- لوله‌ی تنفسی به طول ۱۰ سانتی‌متر و غضروفی شکل
- نای
- در انسان هر دقیقه ۱۲ بار این عمل انجام می‌شود.
- گلبول قرمز

پرچسب شکل مدار موازی و مدار متوالی را در جای خود قرار دهید.

مدار موازی:	مدار متوالی:
-------------	--------------

با توجه به ۲ مدار بالا به سؤالات زیر پاسخ دهید.

در کدام مدار با افزودن لامپ‌ها، روشنایی آن‌ها کم‌تر نمی‌شود؟

در کدام مدار اگر یکی از لامپ‌ها بسوزد، بقیه‌ی لامپ‌ها خاموش می‌شوند؟

اسم سیارها را به ترتیب در جای خود بنویسید.



درستی  و نادرستی  هر عبارت را مشخص کنید.

- الف) مهم‌ترین اندام دستگاه تنفسی شش‌ها هستند.
- ب) ورود هوا به دستگاه تنفسی را دم و خروج آن را بازدم می‌گویند.
- پ) وجود مو داخل بینی تأثیری در هوای ورودی به آن ندارد.
- ت) ورود هوا ابتدا به دهان و بینی به علت عدم ورود مستقیم هوای سرد به دستگاه تنفسی می‌باشد.
- ث) نایزک‌ها از کیسه‌های هوایی تشکیل شده‌اند.

## فارسی

\* متن زیر را با دقت بخوانید و به سؤالات پاسخ دهید.

مردی در بازارچه‌ی شهر حجره‌ای داشت و پارچه می‌فروخت. شاگرد او پسر خوب و مؤدبی بود ولیکن کمی خجالتی بود. مرد تاجر همسری کدبانو داشت که دستپخت خوبی داشت و آش‌های خوش‌مزه‌ی او دهان هرکسی را آب می‌انداخت. روزی مرد بیمار شد و نتوانست به دکانش برود. شاگرد در دکان را باز کرده بود و جلوی آن را آب و جارو کرده بود ولی هرچه منتظر ماند از تاجر خبری نشد. قبل از ظهر به او خبر رسید که حال تاجر خوب نیست و باید دنبال دکتر برود. پسرک در دکان را بست و دنبال دکتر رفت. دکتر به منزل تاجر رفت و او را معاینه کرد و برایش دارو نوشت. پسر بیرون رفت و دارو را خرید و وقتی به خانه برگشت، دیگر ظهر شده بود. پسرک خولست دارو را بدهد و برود، ولی همسر تاجر خیلی اصرار کرد و او را برای نهار به خانه آمد. همسر تاجر برای نهار آش پخته بود سفره را انداخته و کلمه‌های آش را گذاشتند. تاجر برای شستن دست‌هایش به حیاط زیبای خانه رفت و همسرش به آشپزخانه بازگشت تا قاشق‌ها را بیاورد. پسرک خیلی خجالت می‌کشید و فکر کرد تا بهانه‌ای بیاورد و نهار را آنجا نخورد. فکر کرد بهتر است بگوید دندان‌ش درد می‌کند. پسرک دستش را جلوی دهانش گذاشت و در آن هنگام تاجر به اتاق برگشت و تا او را دید، گفت: «دهانت سوخت؟ حالا چرا انقدر عجله کردی؟ صبر می‌کردی تا آش سرد شود آن وقت می‌خوردی!» زن تاجر که با قاشق‌ها از راه رسیده بود به تاجر گفت: «این چه حرفی است که می‌زنی؟ من که تازه قاشق‌ها را آورده‌ام. او که آش نخورده که دهانش بسوزد؟»، دلستان برگرفته شده از متل‌ها و مثل‌ها.

۱ این داستان بیان‌کننده‌ی کدام ضرب‌المثل است؟

۲ دو جمله از داستان انتخاب کنید و نمودار آن را بکشید.

۳ یک جمله‌ی خبری و یک جمله‌ی پرسشی را انتخاب کنید و بنویسید.

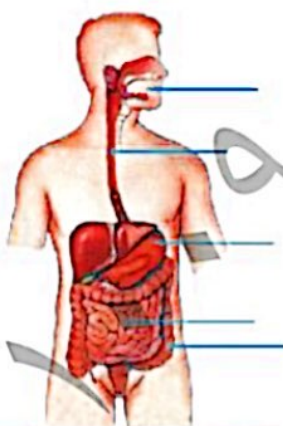
۴ چرا مرد تاجر فکر کرد پسرک آش خورده است؟

## علوم

برچسب تبدیل‌های انرژی مربوط به هر تصویر را در جای خود قرار دهید.

شیمیایی به نورانی	الکترونیکی به نورانی	الکترونیکی به حرکتی
الکترونیکی به صوتی	الکترونیکی به گرمایی	حرکتی به گرمایی

نام اجزای مشخص شده در شکل را نوشته و وظیفه‌ی هر قسمت را بنویسید.



(۱)

(۲)

(۳)

(۴)

(۵)



## فارسی

✽ دانش آموزان عزیزم، حکایت زیر را با دقت بخوانید.

دفتر فکرت بشوی، گفته سعدی بگوی دامن گوهر بیار، بر سر مجلس بیار

دو شاهزاده در مصر بودند، یکی علم اندوخت و دیگری مال اندوخت، عاقبت آن یکی علامه عصر گشت و این یکی سلطان مصر شد. پس از آن توانگر با چشم حقارت در فقیه نظر کرد و گفت: «من به سلطنت رسیدم و تو همچنان در مسکنت بماندی.» عالم گفت: «ای برادر، شکر نعمت حضرت

باری تعالی بر من واجب است که میراث پیغمبران یافتم و تو میراث فرعون و هامون که در حدیث نبوی (ص) آمده: «العلماء مرثه الانبياء»

من آن مورم که پایم بماند نه زنبورم که از دستم بنالند

گلستان سعدی

کجا خود شکر این نعمت گزارم که زور مردم آزاری ندارم

تأفیه‌ها را در بیت‌های زیر مشخص کنید.

من آن مورم که پایم بماند نه زنبورم که از دستم بنالند

کجا خود شکر این نعمت گزارم که زور مردم آزاری ندارم

۲ در حکایتی که خواندید یک جمله‌ی خبری و یک جمله‌ی عاطفی بنویسید.

خبری:

عاطفی:

۳ عالم در پاسخ سلطان که به او گفته بود «من به سلطنت رسیدم و تو همچنان در مسکنت بماندی.» چه جوابی داد؟